

آیات منتخبات

گردآورنده :
محمد ابراهیم دامنی



سنی بوک – کتابخانه مجازی اهل سنت

www.SunniBook.net

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فهرست کتب چاپ شده مؤلف.....	۶
کتبی که به زودی چاپ شدنی است.....	۶
مقدمه.....	۷
توحید ۱.....	۸
تفسیر.....	۹
تمرین.....	۹
توحید ۲.....	۱۰
تفسیر.....	۱۱
تمرین.....	۱۱
توحید ۳.....	۱۳
تفسیر.....	۱۳
تمرین.....	۱۴
توحید ۴.....	۱۵
تفسیر.....	۱۵
تمرین.....	۱۶
نبوت ۱.....	۱۷
تفسیر.....	۱۷
تمرین.....	۱۸
نبوت ۲.....	۱۹
تفسیر.....	۱۹

۲۰	تمرین
۲۱	نبوت ۳
۲۱	تفسیر
۲۲	تمرین
۲۳	نبوت ۴
۲۳	تفسیر
۲۴	تمرین
۲۵	معاد ۱
۲۶	تمرین
۲۷	معاد ۲
۲۷	تفسیر
۲۸	تمرین
۲۹	مقام صحابه ۱
۲۹	تفسیر
۳۰	تمرین
۳۱	مقام صحابه ۲
۳۱	تفسیر
۳۲	تمرین
۳۳	مقام صحابه ۳
۳۳	تفسیر
۳۴	تمرین
۳۵	مقام صحابه ۴

تفسیر.....	۳۶
داستان سفر و علت بیعت.....	۳۶
تمرین.....	۳۹
اخلاق ۱.....	۴۱
تفسیر.....	۴۲
تمرین.....	۴۳
اخلاق ۲.....	۴۴
تفسیر.....	۴۵
تمرین.....	۴۵
اخلاق ۳.....	۴۶
تفسیر.....	۴۷
تمرین.....	۴۷
اخلاق ۴.....	۴۸
تفسیر.....	۴۸
تمرین.....	۴۹

فهرست کتب چاپ شده مؤلف

- 1- تیسیر الأدب ج 1 و 2
- 2- دستور آسان
- 3- استعمال و معامله مواد مخدر
- 4- آداب زندگی
- 5- نمازی کتاب (شعر بلوچی)
- 6- عقیدانی کتاب (شعر بلوچی)
- 7- داستان ذکریان (شعر بلوچی)
- 8- ذکری‌ها را بشناسید فارسی

کتبی که به زودی چاپ‌شدنی است

- 1- ترجمه تاریخ دعوت و عزیمت
- 2- ترجمه تذکیر بسوره الکهف
- 3- ترجمه حیات المسلمین

مقدمه

این کتابچه جزوه‌ای است داخل نصاب درسی حوزه‌های علمیه اهل سنت بلوچستان و برای طلاب اهل سنت (به ویژه حنفی) مخصوص است. اگر در ترجمه و تفسیر آیات چیزی ذکر شده باشد که در مذاهب دیگر معتبر نیست پیروان مذهب هیچگونه اجباری برای پذیرفتن آن ندارند، زیرا هدف آن آموزش عقاید و احکام مذهب خویش به طلاب و بچه‌های پیرو این مذهب است نه مقابله با مذهبی دیگر.

توحید ۱

﴿ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ مَعَ اللَّهِ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿٦٣﴾ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ مَعَ اللَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ مَعَ اللَّهِ ۚ قَلِيلًا ۗ مَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٥﴾ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتٍ إِلَى الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴾ (النمل / 60-63)

«آیا چه کسی آفرید آسمان‌ها و زمین را و فرود آورد از آسمان آبی؟ پس رویانندیم با آن باغ‌های تر و تازه و سرسبز، نیست برای شما (توانی) که برویانید یک درخت آن را. آیا با الله معبودی دیگر است؟ (که بتواند چنین کاری بکند؟ خیر) بلکه آنها قومی هستند که به انحراف می‌روند (60) آیا چه کسی ساخت زمین را قرارگاه و ساخت در آن رودها و ساخت برای آن میخ و ساخت بین هر دو دریا (شور و شیرین) مانعی (تا خلط نشوند) آیا معبودی هست با الله؟ (خیر) بلکه اکثریت‌شان نادان‌اند (که یگانگی معبود را نمی‌پذیرند) (61) آیا چه کسی اجابت می‌کند (درمانده را زمانی که او را (برای کمک) بخواند و سختی او را برمی‌دارد و شما را ساخته جانشین در زمین؟ آیا معبودی هست با الله؟ (خیر) خیلی کم پند می‌پذیرند (62) آیا

چه کسی شما را در تاریکی‌های خشکی و دریا راهنمایی می‌کند و چه کسی می‌فرستد بادها را مژده‌آور قبل از رحمتش؟ آیا معبودی هست با الله؟ (خیر) بلکه برتر است الله از همه کسانی که با او شریک می‌سازند (63)».

تفسیر

مشرکین، خالقیت و مالکیت الله و صفات دیگری را که نام برده شد منکر نبودند و با توجه به اینکه می‌دانستند که معبودان شان نه آفریننده آسمان‌ها و زمین‌اند و نه آورنده باد و باران، آنها را در عبادت الله یعنی در سجده، طواف و نذر و نداء شریک دانسته، إله یا معبود می‌نامیدند. از این نظر الله جل‌شأنه از آنها می‌پرسد که آخر معبودان شما چه کاری می‌توانند بکنند که شما آنها را إله نام گذاشته سجده می‌کنید و به کمک می‌خوانید و می‌گویید: «یا فلان ادرکنی» و با توجه به این که اله کسی می‌تواند باشد که توانایی و علم او نهایت نداشته باشد پس در نتیجه باید بپذیرید که عقلاً و شرعاً غیر الله را هر کسی که باشد اله، معبود یا مشکل‌گشا نامیدن و او را هنگام سختی خواندن، شرک و ممنوع است.

تمرین

الف- آیات را از بر کنید.

ب- ترجمه تک تک کلمات را مشکل را یاد بگیرید.

ج- سؤالات زیر را پاسخ بدهید.

1- آیا مشرکین معبودان خود را خالق مالک و رازق می‌دانستند؟

2- مشرکین در چه امور معبودان خود را با الله شریک می‌کردند؟

توحید ۲

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (١٩٤) اللَّهُمَّ ارْجُلُ يَمْشُونَ بِهَا^ط
 أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا^ط أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا^ط أَمْ لَهُمْ
 آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا^ط قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنْظِرُونَ
 ﴿١٩٥﴾ إِنَّ وَلِيََّ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ^ط وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿١٩٦﴾
 وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكَمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ
 يَنْصُرُونَ ﴿١٩٧﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا^ط وَتَرَاهُمْ
 يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾ (الأعراف / 194-198)

«همانا کسانی را که شما علاوه بر الله ندا می کنید بندگانمانی هستند مثل شما، پس بخوانید ایشان را، پس باید اجابت کنند (خواستۀتان را) برایتان اگر راست می گوید (194) آیا پا دارند که راه می روند با آن (و به کمک شما می آیند)؟ آیا دست دارند که توسط آن دست کسی را بگیرند؟ آیا چشم دارند که می بینند با آن آیا گوش دارند که بشنوند با آن؟ (بلکه اکثرشان مرده اند و اگر زنده هم در بین شان باشد از دور اعضاء فوق شان هیچ کاری نه می توانند بکنند) بگو: (ای پیامبر ﷺ) بخوانید کسانی را که شما ایشان را شریک الله می دانید، سپس علیه من توطئه بکنید پس اصلاً به من مهلت ندهید (195) همانا پشتیبان من خدایی است که کتاب مخصوص (قرآن) را فرود آورد، و فقط او است که همه نیکان را پشتیبانی می کند (196) و کسانی که شما غیر از او می خوانید نه یاری شما را می توانند و نه می توانند خودشان را یاری کنند (197) و اگر ای پیامبر ﷺ آنها

(مشرکین) را به سوی هدایت دعوت کنی گوش فرامی‌دهند. می‌بینی که به سوی تو نگاه می‌کنند ولی آنها نه می‌بینند (198)».

تفسیر

قرآن تنها یک نوع از شرک یعنی بت‌پرستی را رد نمی‌کند و کلیه انواع آن را رد می‌کند. در آیات فوق شخصیت‌پرستی مورد مذمت و ملامت قرار گرفته است. زیرا عده از مشرکین از قبور مردگان و از بندگان نیکوکار استمداد می‌کردند و از دور ندا می‌کردند و عقیده داشتند که آنها عالم‌الغیب‌اند و از وضع مصیبت ما و از مشکلات ما کاملاً آگاه‌اند و نداء ما را می‌شنوند و درباره انبیاء و اولیاء مرده تصور داشتند که اگرچه آنها از ما جدا شده‌اند و زیر خاک‌اند ولی زنده‌اند و روح‌شان هر جا حاضر است و بینا و شنوا است. در آیات فوق همین نوع شرک تردید شده است.

و گاهی مشرکین در مورد شرک خود توجیهات زیر را بکار می‌بردند ...

1- کسی خدا را اصلاً نخواند و فقط دیگران را بخواند شرک است ما هم خدا را می‌خوانیم و هم دیگران را.

2- کسی غیر خدا را با خدا مساوی و مثل خدا دانسته بخواند شرک است و اگر پایین‌تر از خدا دانسته بخواند شرک نیست و ما دیگران را پایین‌تر از خدا دانسته می‌خوانیم.

3- عده می‌گفتند: خواندن بت‌ها یا دشمنان خدا برای کمک شرک است ما که دوستان خدا را می‌خوانیم. در این آیات با کلمه ﴿مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ توجیه دوم و با کلمه

﴿عِبَادُ أَمْثَالِكُمْ﴾ توجیه اول و سوم تردید شده است.

تمرین

1- آیات را از بر کنید.

2- ترجمه کلمات مشکل را از بر کنید.

3- به سؤالات زیر پاسخ دهید.

الف- در آیات فوق چه نوع شرکی تردید شده است؟

ب- مشرکین شرک خود را چگونه توجیه می کردند و پاسخ هر توجیه چیست؟

توحید ۳

﴿ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّيْنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴾

(آل عمران / 79-80)

«برای هیچ بشری که الله به او کتاب، حکم و نبوت داده باشد جایز نیست که به مردم بگوید که باشید عبادت گذار من و مرا پرستید غیر از خدا، ولیکن (باید بگوید) باشید خداپرست. به علت آنکه شما کتاب تعلیم می گیرید و به سبب آنکه شما می خوانید (79) و نه این جائز است که به شما امر کند که فرشتگان و پیامبران را رب قرار بدهید. آیا به کفر امر می کند شما را بعد از این که شما مسلمان شده اید (80)».

تفسیر

سوره آل عمران در پاسخ هیئت هفتاد نفره ای از مسیحیان نجران نازل شده است. آنها آمده بودند تا در اصول دین بخصوص در توحید با رسول الله ﷺ مناظره بکنند و آنها عقیده داشتند که عبادت بندگان نیک مانند مسیح، مریم - علیهما السلام - و علماء درویش و صوفیاء و غیره جائز است و هیچگونه تضادی با توحید خداوند ندارد و در این مورد به دروغ مدعی بودند که مسیح عليه السلام چنین وصیت کرده است که ما او را به وقت مشکل نداء بکنیم و بگوییم: «یا مسیح! ادرکنی» و از او بخواهیم که پیش خدا سفارش ما را بکند و می گفتند: «یا وجیهاً عندالله! اشفع لنا عندالله» و عقیده

داشتند که مسیح، مریم - علیهما السلام - و دیگر اولیاء و انبیاء عالم الغیب هستند و نداء ما را می شنوند و اجابت می کنند و می توانند مشکل ما را حل بکنند خداوند در تردید این دعوی دروغین شان (که مسیح علیه السلام به ما چنین دستور داده است) می فرماید که «برای هیچ بشری بخصوص کسی که نبوت و کتاب داشته باشد اصلاً جائز نیست که مردم را به پرستش و نداء خود دعوت و امر بکند». و مسیح علیه السلام یک فرد معصوم و پاک است چطور مرتکب این گناه کبیره بلکه اکبر الکبائر شد. بلکه اصل مسئله این است که گفته شما از ریشه و اساس دروغ است.

تمرین

پس از بر کردن کلمات و ترجمه لفظی آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید:

- 1- سوره آل عمران در رد چه کسانی نازل شده است؟
- 2- مسیحیان نجران در چه مسایل می خواستند مناظره کنند؟
- 3- مسیحیان برای عبادت مسیح علیه السلام و دیگر انبیاء و اولیاء چه دلیلی ارائه دادند؟
- 4- قرآن دلیل مسیحیان را برای اثبات شرک چطور پاسخ داد؟

توحید ۴

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا﴾

﴿فَاعْبُدُونِ﴾

(الأنبياء / 25)

«و نفرستادیم پیش از تو (ای محمد ﷺ) هیچ رسولی مرگ اینکه به سوی او وحی می‌کردیم که به جز من الله دیگر وجود ندارد، پس شما همگی فقط مرا عبادت کنید».

تفسیر

در این آیت عظمت و اهمیت مسئله توحید و هدف اصلی رسالت انبیاء مورد بحث قرار گرفته است. و گویا به عبارتی دیگر، این آیت رابطی است بین دو مضمون و دو اصل دین یعنی توحید و نبوت. آیت اظهار می‌دارد که هدف اصلی و اساسی کل انبیاء این بوده که توحید و یگانگی پروردگار را به مردم اعلام بکنند. یعنی چنین پیامبری وجود ندارد که بر او اصل توحید نازل نشده باشد یا او آن را به مردم اعلام نکرده باشد. البته ممکن است در احکام. احکام یکی را دیگری اعلام نکند و در احکام با هم دیگر فرق داشته باشند ولی در توحید احدی اختلاف ندارد. بلکه اساس دین هر رسول و هدف اصلی و اساسی هر نبی بوده است. از طرفی دیگر، آیت این مسئله را روشن می‌کند که فقط پذیرفتن الله یا به اصطلاح فقط ایمان به الله کافی نیست. بلکه الله را با صفت یگانگی و توحید پذیرفتن شرط ایمان است زیرا مشرک الله را انکار نمی‌کند بلکه با پذیرفتن خالقیت و مالکیت او دیگران را در سجده، نداء و عبادات شریک قرار می‌دهد.

تمرین

پس از حفظ کلمات و ترجمه آیت سؤالات زیر را پاسخ بدهید:

1- هدف بعثت انبیاء چیست؟

نبوت ۱

﴿ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۚ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
﴿۱۳﴾ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا
فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴾

(النساء / 13-14)

«این مرزهای الهی است و هر کس اطاعت کند از الله و رسولش، الله او را در باغ‌هایی داخل می‌کند که زیر آن نهرهای جاری است، و در آن همیشه می‌مانند، و همین است پیروزی بزرگ (13) و هر کسی که از الله و رسولش سرپیچی کند و از مرزهایش تجاوز کند او را در آتش (جهنم) داخل می‌کند و برای او عذاب رسواکننده‌ای است.»

تفسیر

در این آیات گوشزد شده است که اطاعت رسول ﷺ مانند اطاعت الله ضروری و واجب و عامل دخول بهشت است، و حتی به تنهایی اطاعت الله بدون اطاعت رسول ﷺ موجب رستگاری و نجات از جهنم و دخول بهشت نخواهد بود آن طوری که عده عقیده دارند که حیثیت رسول ﷺ مانند یک نفر نامه‌رسان است و قرآن مثل یک نامه است و بر ما فقط اطاعت دستور الله که قرآن است واجب است. این همه دروغ و خلاف این آیت است بلکه آیت اظهار می‌دارد که هر دستور پیامبر ﷺ عیناً دستور الله است و اطاعت از هر دو دستور و قانون مجموعاً می‌تواند موجب نجات قرار بگیرد نه تنها یکی، و مراد از دستور الله قرآن و از دستور رسول ﷺ احادیث و سنت رسول الله ﷺ است.

تمرین

الف- آیت را حفظ بکنید.

ب- ترجمه آیت را حفظ بکنید.

ج- سؤالات زیر را پاسخ بدهید:

1- آیا بر مؤمن فقط اطاعت الله واجب است یا اطاعت الله و رسولش هر دو؟

2- مراد از دستور الله و دستور رسول الله ﷺ چیست؟

3- آیا حدیث و سنت پیامبر نیز مانند آیت قرآن واجب العمل است؟

نبوت ۲

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿٦٤﴾ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

(النساء / 64-65)

«و نه فرستاده ایم هیچ رسولی را مگر اینکه باید از او اطاعت بشود به دستور الله. و اگر اینهایی که بر خویشتن ظلم کرده بودند (که از دستور پیامبر ﷺ سرپیچی کرده بودند) پیش تو ای پیامبر ﷺ (برای عذرخواهی) می آمدند سپس از خدا مغفرت می خواستند و رسول الله ﷺ هم برایشان از خدا بخشش می خواست حتماً الله را توبه پذیر و مهربان می یافتند (64) (ولی چون این کار را نکردند الله هم آنها را نمی بخشد) پس قسم به پروردگارت که آنها مؤمن نمی باشند تا زمانی که تو را در اختلاف شان داور قرار ندهند و سپس در دلشان هم عقده و نارضایتی ای نسبت به داوری تو نداشته باشند و از هر نظر در مقابل داوری تو تسلیم گردند».

تفسیر

آیات فوق در مذمت منافقین است که نسبت به داوری پیامبر ﷺ اکراه داشتند و ناراضی بودند و به جای اینکه اعتراف تقصیر گذشته نموده از آن اظهار ندامت کنند و برای جبران آن در آتیه قول بدهند. برعکس دوری مخالفت و کینه رسول الله ﷺ را در دل دارند. به همین جهت در آیات مورد ملامت قرار گرفته اند و غیر مؤمن بودنشان افشاء شده است، و در آیات از شرایط ایمان سه چیز معرفی شده است ...

- 1- مؤمن کسی است که در اختلافات خود رسول الله ﷺ یعنی قانون و سنت او را داور و معیار قرار بدهد.
- 2- مؤمن کسی است که بعد از داوری رسول ﷺ در دل هیچگونه کینه بغض و نفرت از آن نباید داشته باشد.
- 3- مؤمن کسی است که نسبت به داوری رسول ﷺ نه با زبان نه هم با اشارات و کنایات مخالفت خود را بروز بدهد.

تمرین

پس از حفظ کلمات و ترجمه آیات به سؤالات زیر پاسخ بدهید:

- 1- آیات در مذمت چه کسانی است؟
- 2- چه خصلتی از منافقین در این آیات ملامت و افشاء شده است؟
- 3- در این آیات کدام شرایط ایمان معرفی شده است؟

نبوت ۳

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا ۖ﴾
 ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا ﴿ (النساء / 69-70)

«و هر کس از الله و رسول ﷺ اطاعت کند پس او با کسانی خواهد بود که الله بر آنها انعام کرده است، یعنی با پیامران، صدیقان، شهیدان و صالحان و اینها بهترین رفیقانند (69) و این فضل (خاصی) است از طرف الله، و کافی است الله به دانایی.»

تفسیر

در این آیات رفاقت بندگان انعام شده در روز قیامت در مجموع اطاعت الله و رسول او منحصرراً اعلام شده است، و این اطاعت الله و رسول ﷺ که عامل دخول بهشت و همراهی منعم علیهم است فضل بزرگی از طرف خداوند متعال اعلام شده است. و پرواضح است که منظور از اطاعت الله اطاعت قوانین در قرآن است و اطاعت از رسول الله ﷺ اطاعت از قول و عمل پیامبر ﷺ (به عبارتی دیگر از سنت پیامبر ﷺ) است والا ذکر و نام لزومی نداشت. چون قرآن و سنت هر دو از زبان رسول ﷺ به مردم می‌رسید از این نظر اگر گفته می‌شد از رسول ﷺ اطاعت کنید کافی بود و از این نظر که در حقیقت قرآن و سنت هر دو وحی الهی است کافی بود که گفته شود از الله اطاعت کنید. با این تعبیر قرآن می‌خواهد گوشزد کند که اگرچه قرآن و سنت از نظر درجه و مقام از نظر متلو و غیر متلو بودن با هم فرق دارند ولی از نظر معیار و ملاک بودن و از نظر واجب‌العمل بودن یکی هستند.

تمرین

بعد از حفظ الفاظ و معانی آیات به سؤالات زیر پاسخ بدهید.

1- مراد از اطاعت الله و اطاعت رسول ﷺ چیست؟

2- آیا برای نجات و رستگاری انسان ایمان و عمل بر قرآن کافی است یا عمل و

اعتقاد بر حدیث نیز واجب است؟

نبوت ۴

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾
(الأحزاب / 36)

«جائز نیست برای هیچ مرد و زن مؤمن هر زمانی که الله و رسولش در مورد امری از امورشان تصمیم بگیرند که از خود اختیاری داشته باشند و هر کس سرپیچی کند از دستور الله و رسولش بس به تحقیق گمراه شد گمراهی آشکاری».

تفسیر

شان نزول آیت واقعاً خاصی دارد و آن این که پیامبر ﷺ می‌خواست پسر خوانده خویش (زیدبن حارثه) را با دخترعمه‌اش زینب بنت امیمه بنت عبدالمطلب عقد ببندد ولی زید چون مدتی به اصطلاح غلام مانده بود زینب و اولیاء او به علت عدم ترویج این نوع عقد (غلام با زن آزاده) کمی قلباً اکراه داشتند و پیامبر ﷺ می‌خواست این رسم جاهلیت را از بین ببرد و ابتدا از خود بکند و خواست که زینب را که یکی از نزدیکترین بستگانش بود با زیدبن حارثه عقد بسته عملاً نشان بدهد که این رسم پوچ و بیهوده است و باید آن را از بین برد همچنان که من پیشقدم شده‌ام. زینب و اولیاء او هنوز مطمئن نبودند که این رأی شخصی پیامبر ﷺ به عنوان مشوره است یا امری شرعی و تکلیفی است ضروری؟ آیت به آنها گوشزد کرد که این تکلیفی است ضروری و شرعی که حتماً باید انجام بگیرد چنانچه آنها تسلیم شده این پیشنهاد را با صدق دل پذیرفتند. حالا اگرچه این واقعاً بخصوص موجب و عامل نزول آیت قرار گرفته است ولی حکم آن عام است و همیشگی. یعنی بعد از دستور پیامبر ﷺ (اگرچه به صورت آیت

قرآنی نباشد) احدی از مؤمنین به بهانه اینکه این دستور در قرآن نیست حق سرپیچی ندارد زیرا گفته پیامبر ﷺ عین گفته الله است واجب العمل است ولو اینکه به صورت حدیث است نه به صورت آیت قرآن و اگرچه در مورد امور عبادی نیست بلکه در امور خانوادگی است.

تمرین

بعد از حفظ الفاظ و ترجمه آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید:

- 1- آیت فوق در مورد چه واقعه نازل شده است؟
- 2- آیا حکم آن مختص همان افراد است یا برای همه مؤمنین؟
- 3- آیا حکم پیامبر ﷺ که در قرآن ذکر نیست واجب العمل است یا خیر؟

معاد ۱

﴿أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٧٧﴾
 وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ۖ قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظَمَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾
 قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِي
 جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقَدُونَ ﴿٨٠﴾
 أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَن تَخْلُقَ مِثْلَهُمْ ۚ
 بَلَىٰ ۖ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ
 كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾ فَسُبْحَنَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ
 تُرْجَعُونَ﴾ (یس / 77-83)

«آیا ندید انسان که ما از چه آفریدیم او را از نطفه؟ پس ناگهان او جدل‌بازی است آشکار (77) و زد درباره ما مثال، و آفرینش خود را فراموش کرد. گفت: چه کسی زنده می‌کند استخوان‌ها را در حالی که آنها گرد شده‌اند؟! (78) بگو (ای پیامبر ﷺ) آن را زنده می‌کند کسی که آن را بار اول آفرید، و او به آفرینش هر نوبت دانا است (79) کسی که ساخت برایتان از درخت سبز آتشی که آنگاه شما از آن آتش روشن می‌کنید (80) آیا مگر کسی که آفرید آسمان‌ها و زمین را توانا نیست که مثل‌شان را (یعنی خودشان را بار دوم) بیافریند؟ چرا. و او است خلاق دانا (81) همانا (روشن) کارش این است که بخواهد کاری می‌گوید به آن بشو بلافاصله می‌شود (82) پس پاک است از شریک کسی که اختیار هر چیز در دست او است، و به سوی او برگردانده می‌شود».

تمرین

پس از حفظ کلمات و ترجمه آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید.

1- چه کسی انسان را از نطفه آفرید؟

2- الله به کسی که گفت: چه کسی استخوانهای گرد شده را می‌آفریند؟ چه پاسخ

داد؟

3- روش کار خداوند در آفریدن چیست؟

4- از دلایل فوق چه نتیجه می‌گیرید؟

معاد ۲

﴿ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَةُ ۚ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۚ وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ ۚ وَصَدِيقَتُهُ ۚ وَبَنِيهِ ۚ لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۚ وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ مُسْفَرَةٌ ۚ ضَاكِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ ۚ وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۚ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ ۚ ﴾

(عبس / 33-42)

«پس هر گاه که فرارسید گوش خراش (33) روزی که فرار می‌کند هر شخص از برادرش (34) و از مادرش و از پدرش (35) و از زنش و از پسرانش (36) هر شخص از اینها در آن روز به حالی گرفتار خواهد بود (که به فکر دیگری اصلاً نمی‌رسد) (37) صورت‌هایی در آن روز گردآلود خواهد بود (40) فرامی‌گیرد آنها را سیاهی (41) اینها کافران گناهکار هستند».

تفسیر

خداوند متعال در این آیات صحنه قیامت را طوری جلو روی انسان مجسم می‌کند که کاملاً برایش وضع آنجا روشن گردد در این آیات قیامت بنام صاخه (گوش خراش) معرفی شده است که اشاره است به صدای مهیب و وحشتناک آن که نزدیک است که پرده از بین ببرد. و بیم و هراس آن روز به قدری خواهد بود که انسان از محبوب‌ترین افراد خانواده خویش از قبیل برادر، پدر و مادر و زن و بچه و غیره فراری و متواری خواهد بود تا مبادا من در جرائم‌شان اسیر نشوم یا آنها از من کمکی نخواهند و آن روز هر یکی در حالی گرفتار یا سرگرم خواهد بود که به فکر کسی و چیزی دیگر نمی‌افتد. چون عده که خندان و خوشحال‌اند به نعمت‌هایشان سرگرم‌اند و عده که قیافه

گردآلودی و صورت سیاهی دارند به مشکلاتی گرفتار خواهند بود که فرصت فکر چیزی دیگر نخواهند یافت.

تمرین

پس از حفظ کلمات و ترجمه آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید.

- 1- قیامت در این آیات با چه نامی موسوم شده است؟ و علت این نامگذاری چیست؟
- 2- انسان چرا از بستگان نزدیکش فرار می کند؟
- 3- کلمات زیر را ترجمه کنید : «یفر - صاحبته - امرئ - یومئذ - وجوه - مسفرة - مستبشرة - ضاحكة - غبرة - قنرة - كفرة - فجرة».

مقام صحابه ۱

﴿ فَإِنْ ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنُتُمْ بِهِ فَقَدْ أَهْتَدُوا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴾ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَبِيدُونَ ﴿ (البقره / 137-138)

«پس اگر ایمان آوردند به آنچه که شما به آن ایمان دارید (و به همان طریقی که شما ایمان دارید) پس شکی نیست که هدایت یافتند و اگر رو بگردانند پس بدون شک آنها در مخالفت‌اند. پس برای تو در مقابلشان الله کافی است. و او است بزرگترین شنوا و دانا (137) (پذیرفتیم) رنگ الله را، و کیست زیباتر از رنگ الله و ما فقط او را عبادت گذاریم».

تفسیر

در جهان هر چیز آله سنجش دارد که توسط آن خوبی و بدی، سنگینی و سبکی، حجم، طول و عرض و ... اندازه‌گیری می‌شود. در این آیت خداوند متعال آله سنجش و ترازوی ایمان را معرفی می‌کند که آن آله «ایمان اصحاب رسول رضوان الله علیهم اجمعین» است. کسانی که توسط خود رسول الله ﷺ قلبشان تزکیه، عملشان خالص و ایمانشان به حدی مکمل شده است که معیار و الگوی دیگران قرار گرفته است. چنانچه خداوند می‌فرماید که اهل کتاب (و همچنان همه مردم بعدی) اگر به همان صورت ایمان بیاورند که شما ای اصحاب رسول ﷺ ایمان آورده‌اید، به همین صورت در ایمان و اعتقاد پخته و راسخ و خالص و مخلص، وفادار با رسول الله ﷺ، محافظ دین الله، و مبلغ آن قرار بگیرند پس هدایت یافته‌اند والا ... نه، بنابراین، کسی که عقیده، عمل، عبادت، اخلاق و معاشرت او مخالف عقاید و اعمال و ... اصحاب باشد و حتی معتقد باشد که

خود اصحاب پیامبر ﷺ منافق، غاصب، ظالم، و خائن بوده‌اند او از نظر خداوند قرآن خودش ایمان ندارد، و از هدایت خیلی پرت است. و اگر دقت شود این نوع افراد در حقیقت نسبت به پیامبر ﷺ توهین می‌کنند که او نتوانسته شاگردان خودش را درست تربیت کند بلکه از آن هم بالاتر رفته گفته خدا را دارند تکذیب می‌کنند گویا این نوع فرد در حقیقت می‌گوید: این گفته الله دروغ است و اصحاب همگی یا اکثریت قریب به تمامشان افراد ناشایسته بوده‌اند.

تمرین

پس از حفظ کلمات و ترجمه آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید.

- 1- از نظر قرآن آله سنجش ایمان چیست؟
- 2- آیا بدون پذیرفتن اصحاب می‌توان مؤمن شد؟
- 3- آیا منکر مقام صحابه در حقیقت منکر خدا و رسول ﷺ نیست؟

مقام صحابه ۲

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ
بِإِحْسَنِ رِضَى اللَّهِ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (التوبه / 100)

«و مهاجرین و انصاری که سابق و اولاند و کسانی که از ایشان به خوبی (با
صداقت و اخلاص) پیروی کردند، الله از همه آنها راضی است، و آنها از الله
راضی اند، و خداوند برای ایشان باغهای تهیه کرده است که زیر آن نهرهای (زیاد
و گوناگونی) جاری است. همیشه و ابد در آن می مانند. همان است پیروزی
بزرگ».

تفسیر

- در این آیت خداوند متعال برای اصحاب رسول الله ﷺ فضایل زیر را ذکر کرده است:
- 1- الله از آنها راضی است و آنها از الله.
 - 2- الله برای آنها باغهای تهیه کرده است.
 - 3- باغها دارای نهرهای زیاد و گوناگونی اند.
 - 4- آنها همیشه در این نعمتها می مانند.
 - 5- رضایت الله شامل کسانی نیز می باشد که از اینها به خوبی پیروی بکنند. و این
فضایل به خاطر اعمال زیر به آنها رسیده است.
- 1- در هجرت یا نصرت از همه جلوتر و از همه اعلی تراند.
 - 2- در زمان احتیاج شدید اسلام با جان و مال به اسلام کمک کرده اند.

3- و عده که در آن زمان نبودند بعدها بوجود آمدند اما راهشان را ادامه دادند و از آنها پیروی کردند و به آنها عشق ورزیدند، بدین طریق لایق فضایل قرار گرفتند.

تمرین

پس از حفظ آیت و ترجمه آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید:

- 1- در این آیت فضیلت چه کسانی ذکر شده است؟
- 2- چه فضایلی ذکر شده است؟
- 3- این فضیلت به علت چه اعمالی به آنها رسیده است؟

مقام صحابه ۳

﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتْلَ ۚ أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ
دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَتْلُوا ۚ وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ ۚ وَاللَّهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (الحديد / 10)

«و چیست شما را که در راه الله انفاق نمی‌کنید؟ در صورتی که همه دارایی
آسمان‌ها و زمین فقط برای الله باقی می‌ماند. کسی از شما برابری نمی‌کند با
کسانی که قبل از فتح مکه مال خرج کرده‌اند و جنگیده‌اند (در راه الله). (البته)
برای هر یک (از این دو گروه) الله وعده نیکو داده است، و الله به آنچه که
می‌کنید باخبر است.»

تفسیر

در این آیت خداوند متعال ضمن ترغیب مؤمنین به جهاد و انفاق آنها را به اعتبار
ارزش کار و زحمت و فعالیتشان به نفع دین به دو گروه تقسیم می‌کند.
یکی - گروهی که قبل از فتح مکه (پیروز انقلاب رسول الله ﷺ در کشورش) ایمان
آورده با جان و مال برای پیشبرد و ترقی دین فداکاری کرده‌اند.
دیگری - گروهی که بعد از فتح مکه (پیروزی انقلاب رسول الله ﷺ) باور کردند که
واقعاً این دین حق است، و رهبرش بالیقین پیام‌آور الله است. والا از نظر امکانات مادی
و ظاهری پیرویشان غیرممکن بود. و با ایمان و باور صادقانه خویش با رسول الله ﷺ
پیمان وفاداری بستند و از این به بعد با جان و مال فداکاری می‌کردند. خداوند متعال به
هر دو گروه وعده نیکو یعنی وعده بهشت می‌دهد. اما با این تفکیک که درجات گروه

اول خیلی برتر و عالی است. چون ارزش کاریشان برای هر کس واضح است که بیشتر است. البته چون ممکن بود عده نادان تصور کنند که گروه دوم به علت ترس یا طمع در پست و مقام‌های اسلامی ایمان آورده‌اند، تذکر داد که خیر این گروه نیز صادقانه ایمان آورده و مستحق مژده بهشت شده است. چون اگر اصلاً ایمان نمی‌آوردند و هیچگونه پیمان وفایی نمی‌بستند ولی دست از مخالفت و دشمنی می‌کشیدند و یا بی‌تفاوت می‌ماندند در دین و حکومت رسول‌الله ﷺ هیچگونه مجازاتی و محرومیت از حقوق اجتماعی نداشتند. بنابراین، روشن است که آنها بدون ترس یا طمع صادقانه ایمان آورده و پیمان بسته‌اند لذا مستحق بهشت در آخرت و احترام در دنیا می‌باشند.

تمرین

پس از حفظ کلمات و ترجمه آیت به سؤالات زیر پاسخ بدهید:

- 1- آیت مؤمنین و اصحاب را به چند گروه تقسیم کرده است؟ هر یکی را نام ببرید.
- 2- علت برتری گروه اول چیست؟
- 3- علت پاداش گروه دوم چیست؟

مقام صحابه ۴

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾ وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ ۚ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ ءَايَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾ وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا ۖ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢١﴾ وَلَوْ قَتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَمْجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾

(الفتح / 18-22)

«به تحقیق راضی شد الله (تعالی) از مؤمنین زمانی که بیعت کردند با تو (ای پیامبر ﷺ) زیر درخت خاصی، پس (چون) دانست آنچه را که در دلهایشان است پس فرودآورد سکینه را برایشان و بطور مزد داد ایشان را پیروزی ای نزدیک (متصل بعد از بیعت) (18) و غنیمت‌های زیادی است که می‌گیرند آن را. و هست الله غالب با حکمت (19) و نوید می‌دهد به شما الله برای غنیمت‌های که می‌گیرید آن را پس (این غنیمت‌های که در آیت 19 ذکر شد را) بطور نقد و عاجلانه داد به شما. و دست مردم را از سر شما کوتاه کرد. و تا باشد نشانه‌ای برای (ایمان) مؤمنین و تا همیشه شما را بر راه راست هدایت کند (20) و (نوید می‌دهد به شما به فتوحات) دیگری که الان بر آن توان ندارید (ولی یقیناً الله آن را احاطه کرده است، و هست الله بر هر چیز توانا (21) و اگر بجنگند با شما

کسانی که کافراند پشت گردانده فرار خواهند کرد سپس نخواهد یافت (برای خود) پیشتیانی و نه یآوری».

تفسیر

آیات فوق مشتمل بر انعاماتی است که خداوند متعال به اصحابی که در حدیبیه بیعت رضوان را انجام داده بودند. بنابراین لازم است که مختصر داستان سفر به حدیبیه و علل و عوامل بیعت رضوان تشریح گردد تا مفهوم کاملاً قابل فهم گردد.

داستان سفر و علت بیعت

در سنه 6 هـ ق پیامبر اکرم ﷺ خواب دید که ایشان همراه با عده از اصحابش به مکه مکرمه وارد شده‌اند و پس از پایان مناسک عمره عده مشغول تراشیدن و عده به کوتاه کردن موها (که علامت اتمام مناسک حج و عمره است) آن حضرت ﷺ این جواب را با دوستان تعریف کردند آنها نیز بسیار خوشحال شدند.

بالاخره در ماه ذیقعد سنه 6 هـ آن حضرت ﷺ همراه با جماعت بزرگی مشتمل بر 1400 نفر به نیت عمره به سوی مکه حرکت کردند. همه احرام بسته، هدایا و نذورات خانه خدا با قلادها و علائم مخصوص همراه بود تا هر کس با اولین نگاه بتواند تشخیص بدهد اینها زائران خانه خدا هستند. و کاری با جنگ و شلوغی ندارند. اما همین ورودشان به مکه مکرمه آزادانه و راحت مناسک حج یا عمره را انجام دادن و برگشتن از نظر سیاسی پوزۀ حکومت مکه را به خاک می‌مالید زیرا مدینه منوره کشور نوزاد اسلامی به رهبری پیامبر ﷺ همیشه با اهل مکه درگیر جنگ بود و از نظر امکانات مالی و مادی نیز اهل مکه مجهزتر بودند. بنابراین، پیامبر ﷺ و همراهانش که از اهالی کشوری دیگراند بدون اجازه و حتی بدون کوچکترین اعتناء به اینکه مکه هم حکومتی

جداگانه دارد و نمی‌دانیم به ما اجازه ورود می‌دهد یا خیر؟ حرکت کرده‌اند واقعاً برای اهل مکه خیلی رنج‌آور و سخت بود ولی چکار بکنند؟ اگر جلویشان را بگیرند همه ملت مکه و عشایر دور بر آن مخالفت می‌کنند زیرا در دین بت‌پرستی خودشان نیز شهر مکه شهر امنی بود بخصوص برای زائرین، احدی حق جلوگیری زائری را نداشت. در این اوضاع حکومت در دو راهی گیر کرده بود که بالاخره تصمیم گرفت تا با تبلیغات و شایعه‌پراکنی پیامبر ﷺ و همراهانش را منصرف بکنند. چنانچه زمانی که پیامبر ﷺ به رودخانه در نزدیکی مکه بنام حدیبیه که جزء خاک مکه بود رسید. حکومت مکه عدۀ را به عنوان رهگذر و مسافر فرستاد تا غیر مستقیم به پیامبر ﷺ بگویند که حکومت مکه لشکر بزرگی تهیه دیده است و به محض نزدیک شدن شما به مکه جلوی شما را می‌گیرند و با شما می‌جنگند پس بهتر است شما از همین جا برگردید. پیامبر ﷺ پس از مشوره با اصحاب ﷺ تصمیم گرفت تا برای تحقیق بیشتر و تا اینکه هدف پیامبر ﷺ توضیح داده شود حضرت عثمان غنی را به عنوان قاصد به مکه فرستاد. رؤساء مکه به خود حضرت عثمان غنی اجازه طواف، عمره و غیره دادند اما برای پیامبر ﷺ و دیگر همراهانش راضی نشدند. و حضرت عثمان غنی این پیشنهاد را رد کرد. رئیس مکه از این علل حضرت عثمان غنی ناراحت شد و او را بازداشت کرد و شایع کرد که ما عثمان را اعدام کرده‌ایم. چون این خبر به پیامبر ﷺ رسید ناراحت شد فرمود: «از اینجا تکان نمی‌خوریم تا با قوم (قریش) نجنگیم و همه مردم (اصحاب خودش) را به بیعت دعوت کرد. پس همگی بیعت کردند تا با قریش بجنگد و فرار نکنند (بلکه تا آخرین قطره خونشان بجنگند) و این بیعت زیر درختی بنام سمره انجام گرفت که تعداد بیعت‌کنندگان یک هزار و چهارصد نفر بود» تفسیر مدارک، ج 4، ص 112 به نقل از جواهر القرآن «چون این بیعت پیش خداوند متعال اهمیت و ارزش خاصی داشت چنانچه رسول اکرم ﷺ در مورد اصحاب حدیبیه می‌فرمود: «اصحاب شجره که زیر آن

این بیعت را انجام داده‌اند ان شاء الله احدی به دوزخ نخواهد رفت» (صحیح مسلم، ج 2، ص 303 به نقل از جواهر القرآن) لذا پیامبر اکرم ﷺ با در نظر گرفتن این احتمال که شاید کشته شدن حضرت عثمان رضی الله عنه شایعه دروغین باشد پس نباید او از این فضیلت بیعت محروم بماند چنانچه دست چپ خود را به جای دست عثمان رضی الله عنه در دست راست خود گذاشته از طرف او بنابر اعتمادی که بر او داشت بیعت انجام داده او را در این اجر و فضایل شریک گرداند. اصحاب حدیبیه بیعتی را که زیر درخت سمره انجام داده بودند به قدری صادقانه و با اخلاص بود که خداوند متعال ضمن اعلام رضایت کامل و ابدی خود از ایشان تقریباً چهارده انعام به عنوان جایزه در این آیات برایشان ابلاغ کرد که تفصیلشان ذیلاً درج می‌گردد.

- 1- الله از همه اصحابی که زیر درخت سمره در حدیبیه بیعت کردند راضی است.
- 2- راضی بودن خداوند به علت مؤمن بودنشان است ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ﴾.
- 3- در بیعت صادق و مخلص‌اند.
- 4- خداوند از قلبشان باخبر است که نه الان عیبی دارند و نه در آینده خواهند داشت، به همین جهت رضایت خودش را اعلام کرده است. (فقره 3 و 4 - ﴿فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾).
- 5- بر آنها سکینه نازل کرد ﴿فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ﴾.
- 6- فتح قریب (فتح خیر) را به عنوان جایزه به آنها داد ﴿وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾.
- 7- و غنایم زیادی بدست می‌آورند (در حنین و غیره) ﴿وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا﴾.
- 8- وعده غنایم زیاد بعد از غنایم فوق (در فتح مکه) و ﴿وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا﴾.

- 9- غنیمت عاجلانه و سردستی و نقد (با خلع سلاح 80 نفر از اهالی مکه در خود حدیبیه) ﴿فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ﴾.
- 10- نگهداشتن دست دشمن از جنگ و حاضر شدنشان به صلح در حدیبیه ﴿وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ﴾.
- 11- این همه جوایز نشانه مؤمن بودن اصحاب حدیبیه است ﴿وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ﴾.
- 12- همیشه بر هدایت نگهداشتن ایشان ﴿وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾.
- 13- فتوحات غیر متوقعه مانند فتح ایران و روم و غیره ﴿وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا﴾.
- 14- شکست و فرار کفار در جنگ با اصحاب حدیبیه ﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْوَارَ﴾.

این چهارده انعام جوایزی هستند که در آیات فوق برای اصحاب حدیبیه ذکر شده‌اند اما انعاماتی که در آیات دیگر همین سوره یا دیگر سوره‌ها و احادیث ذکر شده است علاوه بر این است. این همه انعام به خاطر بیعتی است که بنام بیعت رضوان معروف است حال باید دقت کرد که هدف این بیعت چه بوده که پیامبر ﷺ با 1400 نفر از اصحاب مخلص و مؤمنش با خدا پیمان می‌بندند. کاملاً روشن است که هدف گرفتن قصاص حضرت عثمان رضی الله عنه می‌باشد (که احتمال آن می‌رفت) از اینجا ارزش جان و ایمان حضرت عثمان رضی الله عنه از نظر الله و رسولش روشن می‌شود. مسلم است کسی که با عثمان رضی الله عنه مخالف باشد یا او را عیبجویی کند گویا از خدا و رسولش ایراد می‌گیرد و گویا این آیات قرآن را قبول ندارد.

تمرین

پس از حفظ آیات و ترجمه آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید ...

- 1- سفر به حدیبیه در چه ماه و چه سالی پیش آمد و همراهان رسول الله ﷺ چند نفر بودند؟
- 2- سفر عمره یا حج رسول الله ﷺ چه ضربه برای کفار مکه داشت و آنها چه تدبیری اختیار کردند؟
- 3- انعامات اصحاب حدیبیه را نام ببرید.

اخلاق ۱

﴿ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ ۖ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ۚ
وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۚ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِلَيْنَا ۚ نَحْنُ
نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ ۚ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ ۚ
وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهِ ۚ
لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ
يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۚ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانِ بِالْقِسْطِ ۚ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا
وُسْعَهَا ۚ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۚ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ۚ
ذَٰلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهِ ۚ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٢﴾ وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي
مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ ۚ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ۚ ذَٰلِكُمْ
وَصَّيْتُكُمْ بِهِ ۚ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴾ (الأنعام / 151-153)

«بگو (ای پیامبر ﷺ) بیايید تا بخوانم آنچه را که پروردگار شما بر شما حرام کرده که 1- شریک نکنید با او چیزی را 2- و با پدر و مادر (نه تنها بد اخلاقی نکنید بلکه) احسان بکنید 3- و فرزندانان را از ترس گرسنگی و فقر نکشید (زیرا) ما به خود شما و آنها روزی می‌دهیم 4- و به کارهای خلاف عفت اصلاً نزدیک نشوید، اعم از این که ظاهر و علنی باشد یا پنهان 5- و جانی را که خدا محترم و از بین بردنش را حرام قرار داده است بناحق قتل نکنید. به این توصیه کرد شما را تا به عقل بیايید (152) 6- و به مال یتیم اصلاً نزدیک نروید مگر به منظوری که بهتری دارد تا به جوانی و عقل و فهم برسد 7- و کامل بکنید

پیمانه و ترازو را با انصاف. ما مکلف نمی‌کنیم کسی را مگر به قدر توانش 8- و هرگاه چیزی گفتید عدالت را در نظر داشته باشید ولو اینکه طرف از بستگان نزدیکتان باشد، و تعهدات الله را انجام بدهید. شما را به این توصیه کرد تا پند بپذیرید (153) و اینکه این راه من راست است، پس از آن پیروی بکنید و به دنبال راه‌های زیاد نباشید که شما را از راه او (الله) متفرق می‌کند. به این توصیه کرد شما را تا خدا ترس و پرهیزگار باشید».

تفسیر

این آیات از بحث اخلاق از جامع‌ترین آیات‌اند که به ترتیب اول روش برخورد و اخلاق نسبت به الله، مورد بحث است که هیچ چیزی را اعم از جاندار، بی‌جان، زنده و مرده نیک یا بد با او شریک نکنید. و در هنگام مصیبت او را بخوانید زیرا این بدترین بد اخلاقی است نسبت به الله. سپس چون در بین مخلوق حق والدین مقدم بود دستور داد با آنها بدرفتاری نکنید بلکه علاوه بر ترک بدرفتاری باید با آنها احسان و نیکی بکنید از این نظر ﴿وَيَا أُولِي الدِّينِ إِحْسِنُوا﴾ بکار برد. و همچنین در مورد امور خلاف عفت و مال یتیم تعبیر قرآن این است که نزدیکشان نروید که هدف ترک مقدمات آن گناه است از قبیل نگاه کردن و و ... زیرا بعد از انجام مقدمات کنترل نفس خیلی مشکل است بلکه اصلاً ناممکن است لذا بهتر است که برای خودداری از زنا با زن بیگانه در جای تنهایی ننشیند، به او نگاه نکند، صحبت و شوخی نکند تا دل‌گرایش پیدا نکند و به گناه اصلی مبتلا نکند. همچنان تعبیر عجیبی در دو استثناء بکار برده است یکی در مورد مال یتیم که نزدیک رفتنش حرام است مگر به صورتی که احسن باشد و منظور از صورت‌های احسن موارد زیر است : 1- برای مخارج خود یتیم بکار ببرد. 2- برای تجارت یا کارهای تولیدی بکار ببرد تا مال رشد کند و اضافه گردد اما به شرطی که نفعش قطعی و ضررش احتمال ضعیف داشته باشد. و استثناء دوم در تکمیل کردن پیمانه و کفه ترازو

است که هر چند بایع پیمانه یا کفه ترازو را پر بکند اما امکان گنجاندن چند قطره یا چند دانه باقی است پس گویا تکمیل کردن پیمانه و ترازو ظاهراً غیر ممکن است در جمله ﴿لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ همین را استثناء کرد که این مقدار کوچک چون معتنا به نیست و این کمی چون ناگزیر است معاف است. بلکه انسان مکلف است به قدر توان خودش کم نکند به از نظر منطق و فلسفه و نه آن کمی که در وزن طلا معتبر است در وزن گندم و جو و غیره باید مراعات گردد، چون در این صورت بشر به زحمت می افتاد خداوند او را معاف کرد.

تمرین

- پس از حفظ آیات و تجربه آن به سؤالات زیر پاسخ بدهید:
- 1- در آیات فوق از چند حرام منع شده است؟ همه را نام ببرید.
 - 2- چرا در مورد والدین به جای نهی امری بکار رفته است؟
 - 3- موارد استثنایی استفاده مال یتیم و وزن وکیل را نام ببرید.

اخلاق ۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنْ آتَنَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴾

(المؤمنون / 1-11)

«به تحقیق رستگار شدند مؤمنانی (1) که آنها در نمازشان فروتنی دارند (2) و کسانی که از لغویات روگردانند (3) و کسانی که زکات را انجام می‌دهند (4) و کسانی که غرایز جنسیشان را محافظ هستند (5) مگر با زنان و کنیزان (شخصی و شرعی) خودشان که در این مورد ایشان ملامتی ندارند (6) پس کسی که جویا باشد غیر از این (دو، راه دیگری) پس ایشانند تجاوزگر و جنایتکار (7) و کسانی که امانت و تعهدات خود را مراعات و محافظت می‌کنند (8) و کسانی که بر نمازهایشان محافظت می‌کنند (9) ایشانند وارث (10) که از فردوس ارث می‌برند. ایشان در آن همیشه می‌مانند».

تفسیر

در آیات فوق تقریباً هفت خصلت موجب رستگاری از هر مشکل (دنیا و آخرت) و رسیدن به همه اهداف و همچنان عامل ارث بردن از فردوس برین معرفی شده است که تفصیلشان به شرح زیر است ...

1- داشتن ایمان و اعتقاد کامل (به کل آنچه که الله در قرآن و رسولش در احادیث گفته است - المؤمنون).

2- در نماز کاملاً توجه داشتن به خداوند متعال و نشان دادن فروتنی خود در مقابل عظمتش (آیه 2).

3- زکات مال یا تزکیه قلب را انجام دادن (چون سوره مکی است و زکات در مدینه عملی شده است لذا از نظر بعضی از مفسرین اینجا مراد از زکات تزکیه قلب است).

4- کنترل غرایز به جز از دو مورد یکی نکاح دیگری کنیز شرعی که بقیه کلیه صورتها (از قبیل صیغه - متعه - تحیل و عاریت غیره) همه حرام و ممنوع اند.

5- امانات را خیانت و تعهدات و پیمان را نقض نکردن.

6- محافظت کلیه نمازها یعنی هر یک را در وقت مسنون خود با رعایت حقوق و آداب انجام دادن.

در نتیجه هر کس به هر مقدار از این صفات کسری داشته باشد به همان مقدار از رستگاری و رسیدن به مراد دور است.

تمرین

1- آیات و ترجمه آن را از بر کنید.

2- صفاتی را که موجب و عامل رستگاری اند نام ببرید.

اخلاق ۳

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَمًا ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٣٩﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٤٠﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿٤١﴾ وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ﴿٤٢﴾ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٤٣﴾ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَخَلَّدُ فِيهِ مُهَانًا ﴿٤٤﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (الفرقان / 63-69)

«و بندگان رحمن کسانی هستند که روی زمین با نرمی راه می‌روند و هرگاه جاهلان ایشان را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهند می‌گویند: سلام (63) و کسانی که به سجده و قیام برای پروردگارشان شب را می‌گذرانند (64) و کسانی که می‌گویند: پروردگارا، بگردان از ما عذاب جهنم را. همانا عذابش تاوانی است (65) همانا آن قرارگاه و قیامگاه بدی است (66) و کسانی که هرگاه انفاق می‌کنند نه بیجا خرج می‌کنند و نه تنگی می‌کنند و در بین این دو قائم‌اند (67) و کسانی که با بودن الله مشکل‌گشایی دیگر را نمی‌خوانند و جانی را که الله کشتنش را حرام کرده است قتل نمی‌کنند مگر اینکه حقش کشتن باشد

و زنا نمی‌کنند و کسی که بکند چنین کاری می‌افتد در گناه (68) دوبله می‌شود
برایش عذاب روز قیامت و همیشه در آن ذلیل می‌ماند (69) بجز کسی که توبه
کند و ایمان و اعتقاد پیدا کند و کار نیکو انجام بدهد پس اینها کسانی‌اند که الله
گناهانشان را به نیکی تبدیل می‌کند و الله بخشنده و مهربان است».

تفسیر

در این آیات خداوند متعال عده را بنابر داشتن چند صفت که تفصیل آن بعداً ذکر
می‌شود به خود نسبت داده فرموده که بندگان رحمن ... با توجه به اینکه بشر و غیر بشر
همه و همه از نظر مخلوق و مملوک بودن همه بندگان خدا هستند اما این نسبت به
علت اطاعت است که این عده دارای صفاتی به خصوص و دارای اطاعت از اوامر الله
هستند که الله آنها را به خود نسبت داده بندگان رحمن معرفی کرده است، و آن صفاتی
که عامل این نسبت مهم قرار گرفته‌اند به شرح زیراند:

- 1- راه رفتن بدون تکبر و خودنمایی و با کمال متانت، وقار و نرمی.
- 2- ترک کردن مجادله و جر و بحث با آدم‌های بی‌منطق و جاهل.
- 3- شب را در عبادت به سر بردن.
- 4- همیشه از جهنم ترسیدن و از خدا نجات خواستن از آن.
- 5- در انفاق تعدیل و میانه‌روی را در نظر داشتن.
- 6- در مصیبت فقط الله را خواندن و از او کمک خواستن.
- 7- پرهیز از قتل ناحق.
- 8- پرهیز از زنا.

تمرین

- 1- کلمات و ترجمه آن را از بر کنید.
- 2- صفات بندگان خاص خدا را نام ببرید.

اخلاق ۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ﴿١﴾ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَلَا تَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿٣﴾ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿٦﴾ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴾ (الماعون / 1-7)

«آیا دیده‌ای کسی را که روز جزا را تکذیب می‌کند (1) پس همان است که می‌راند یتیم را (2) و برای غذا دادن به مسکین ترغیب هم نمی‌کند (3) پس ویل است برای نمازگذارانی که (4) آنها از نمازشان فراموش‌اند (5) کسانی که خودنمایی می‌کنند (6) و از دادن ماعون هم منع می‌کنند».

تفسیر

در این سوره چند خصلت منفی و زشت مورد مذمت و ملامت قرار گرفته است که تفصیلشان به شرح زیر است:

1- تکذیب روز جزا - در حقیقت یگانه عامل فساد اخلاقی و هر نوع انحراف نپذیرفتن روز جزا است، زیرا اگر کسی نسبت به روزی که قاضی و داور مستقیماً ذات الله است در آن روز نه پارتی است و نه پول و نه سفارشی که موجب نجات باشد. و هر ذره عمل نیک یا بد پاداش دارد اعتقاد کامل داشته باشد (نه اعتراف زبانی) چطور ممکن است که به فساد یا انحراف کشانیده شود؟

2- بی‌عاطفه‌ای، و آن هم به حدی که به جای کمک و دلداری به یتیم او را از در خود راندن و طرد کردن.

- 3- ندادن غذا به مساکین بلکه بدتر از آن دیگران را منع کردن از انفاق و غذا به مساکین و تشویق دیگران برای عدم انفاق.
- 4- از نماز فراموش شدن - و آن چند صورت دارد 1- کلاً ترک کردن 2- تأخیر کردن از وقت 3- در نماز توجه نکردن به الله و عبادتش به حدی که نداند چند رکعت و چه خوانده است؟ 5- ریا و خودنمایی 6- به حدی بخیلی کردن که چیز پیش پا افتاده را از قبیل چوب کبریت، ذره نمک و غیره ندادن.

تمرین

- 1- کلمات و ترجمه آن را از بر کنید.
- 2- خصلت‌هایی زشتی را که این سوره مذمت کرده است نام ببرید.